

شاه‌جنگ ایرانیان در چالدران

اشتن متر

ترجمه و اقتباس: ذبیح‌الله منصوری

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

سرشناسه	اشتن، متز
عنوان و نام پدیدآور	جنگ ایرانیان در چالدران / اشتن، متز، [جان بارک]؛ ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۰
مشخصات ظاهری	۵۱۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۶۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: The great Iranian's war in Chaldoran & Greec.
یادداشت	کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	جنگ چالدران Chaldiran, Battle of, Turkey, 1514
موضوع	ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق. Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736 ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م. -- جنگ‌های یونان Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C. -- War with Greece
شناسه افزوده	بارک، جون
شناسه افزوده	منصوری، ذبیح‌الله، ۱۲۸۸ - ۱۳۶۵، مترجم
رده بندی کنگره	DSR ۱۲۰۱
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۷۱۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۷۱۷۷۷

شاه جنگ ایرانیان در چالدران

اشتن متر

ذبیح الله منصوری

نمونه خوان: مهدی قاسمی

صفحه آرا: علی نجفی

حروف چین: زینب زیدآبادی

چاپ اول: تیر ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ

بچاپ: شاهین

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۶۸۳۳

با اشراف علی عسکری- وکیل خاندان منصوری
بر چاپ آثار ذبیح الله منصوری



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تماس: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

negahpub1@gmail.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست

۷.....	سخن ناشر.....
۹.....	مقدمه مترجم.....
۱۳.....	نمایش سرهای بریده در خیابان های استانبول.....
۲۵.....	سربازان سپاه ینی چری و اهمیت جنگی آنها.....
۲۹.....	نقشه سلطان سلیم برای خلع پذیران سلیمان به سلطنت به کمک سپاهیان ینی چری.....
۳۹.....	حمله به سوریه و محاصره حلب.....
۵۱.....	نامه سلطان سلیم به شاه اسماعیل و جواب آن.....
۵۵.....	مشاوره درباره لشکرکشی به ایران.....
۶۳.....	عشایر ایران.....
۷۱.....	گفت و گوی سلطان سلیم با مشاور نظامی اش راجع به ایران.....
۸۱.....	رؤسای قبایل عثمانی در کاخ سلطان سلیم.....
۹۵.....	بازگشت اصلاص از استانبول.....
۱۰۳.....	نماینده ای از پادشاه اسپانیا در دربار ایران.....
۱۲۹.....	برخورد به یک مرد آشنا.....
۱۴۳.....	اصلاص به ساری قمیش رسید.....
۱۵۵.....	نخستین برخورد مردان ساری قمیش با سربازان عثمانی.....
۱۵۹.....	راه پیمایی در کوهستان و برخورد با قشون سلطان.....
۱۷۳.....	یک جنگ شدید نزدیک مرز ایران در گرفت.....

۱۸۵.....	سومین نامه سلطان سلیم به شاه اسماعیل و مقدمه جنگ با ایران
۲۰۵.....	خان محمد استاجلو
۲۱۵.....	شرفیابی رئیس طائفه ساری قمیش به حضور پادشاه ایران
۲۲۳.....	حمله سلطان سلیم به قره باغ
۲۳۷.....	محمد قره باغی
۲۴۱.....	خبر حمله سلطان سلیم در همدان به شاه اسماعیل رسید
۲۶۵.....	ابراهیم کوچک
۲۷۹.....	شاه اسماعیل در تبریز
۲۹۱.....	گزارشی درباره قتل عام شیعیان
۳۰۱.....	روحیه شاه و سربازان ایران در شب جنگ
۳۱۱.....	جنگ با شلیک توپ آغاز شد
۳۳۳.....	شیرمردی از کردستان
۳۵۵.....	یک ساعت متارکه
۳۶۵.....	شیخ شبستری و پادشاه شیعیان در میدان جنگ
۳۸۱.....	فرمانده سوار نظام ایران
۳۹۱.....	نبردهای ایذایی در شب
۴۰۳.....	شاه اسماعیل در میدان جنگ
۴۱۷.....	شاه اسماعیل توپخانه عثمانی ها را از کار انداخت
۴۳۱.....	یک مانور برجسته در تاریخ جنگ های دنیا
۴۵۱.....	مقاومت بازمانده ایرانیان در برابر برجسته ترین سپاه جهان
۴۶۳.....	سرانجام جنگی که از وحشت آن مو بر سر کودکان سفید می شد
۴۶۹.....	خان محمد استاجلو و رستم کلاچرمینه
۴۸۹.....	شیخ شبستری قرآن به دست خود را به شاه اسماعیل رسانید
۴۹۳.....	نظری به شهر تبریز
۵۰۷.....	مرگ شاه اسماعیل

سخن ناشر

در باب ضرورت بازخوانی ذبیح‌الله منصوری

ذبیح‌الله منصوری از آن دسته مترجم مؤلفانی است که طرفداران و منتقدان بسیاری دارد. او فعالیت مطبوعاتی را در نوزده سالگی (۱۲۹۳) آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۵ که در ۹۰ سالگی درگذشت آثار بی‌شماری «خلق کرد» که اکثراً در زمره آثار پرفروش بوده و هست. همه می‌دانیم چنان می‌نوشت که نگارنده داشتن کتاب برای خواننده دشوار بود. ذوق ادبی و تخیل او از گاه کوه می‌ساخت و همین نکته حتی در زمان حیاتش منتقدان بسیاری یافت. می‌دانیم که بسیاری از این نقدها درست است و بسیاری شاید از روی کینه و سخت‌گیری؛ اما چه چیزی در کار است که خوانش دوباره آثار او را برای ما ضروری می‌کند؟

در پاسخ به این پرسش دو نکته را باید در نظر گرفت. اول نکته‌ای است که زنده‌یاد کریم امامی در کتاب از پست و بلند ترجمه بدان اشاره می‌کند: «راستی راستی آدم باید کتابفروش باشد تا قدر و قیمت ذبیح‌الله منصوری را بشناسد. من کتابفروش هر وقت دست می‌کنم و از زیر میز یک سینه‌بسته تمیز و خوشگل درمی‌آورم و با هزار منت به مشتری می‌دهم برایش طلب آمرزش می‌کنم. در این ایام کساد و کمبود کاغذ و کم شدن تخفیف‌های فروش، فقط منصوری است که ما را نجات می‌دهد.... آیا زمان آن فرانسیده است که این چهره عبوس و در عین حال برجسته مطبوعات معاصر را جدی بگیریم و در چند و چون احوالش تأملی بکنیم؟ «مترجم شهیر» و «نویسنده پولساز» هر دو القابی است واقعاً برازنده قلم کارساز این مرد سخت‌کوش و ظاهراً بی‌ادعا که هر چند خودش از میان ما رفته است، چنین مقدر به نظر می‌رسد که چندین میلیون واژه‌ای که از ذهن پرکارش بیرون جوشیده، سال‌های سال خوانندگان فارسی‌زبان را مشغول کند».